بانکداری: جهانی شدن سیستم مالی

تذهیبی، فریده

تقریبا یک دهه است که رویدادهای‏ جهانی،نیاز اقتصادها،انقلاب در ارتباطات‏ و اطلاعات و ابداعات گوناگون بانکداران در زمینه رقابت با یکدیگر به پدیده جهانی‏ شدن سیستم مالی کمک کرده‏اند. نظام‏های مالی جهانی کاروسازهائی‏ یافته‏اند که بیش از این هرگز شناخته‏ نبودند.حتی هنگامیکه شما مشغول‏ مطالعهء این سطور هستید یک یا چند مانع‏ دیگری که از سر راه جریان جهانی سرمایه‏ از میان برداشته می‏شود.هم‏اکنون پول‏ تازه‏ای درصدد پیوستن به باشگاه جهانی‏ است،و یا در همین لحظه یک میلیارد دلار دیگر از پس‏انداز جهانی روی خطوط اعتباری می‏آید.با این وصف تاکنون تنها یک سوم از راه پیموده شده اما آنچه‏ درحال ایجاد است و می‏توان آنرا یک‏ پروژه عظیم خواند،بوجود آمدن یک‏ نظام مالی جهانی واقعی است.

از سال 1985 بسیاری از آهنگ‏های‏ اصلی این حرکت روشن بود.کشورهای‏ صنعتی مهم بطوریکپارچه تلاش کردند تا ارزش دلار را کاهش دهند.بریتانیا فرایند خصوصی‏سازی شرکتهای دولتی‏ را آغاز کرد و قانون Big-Bang را برای‏ رساندن لندن به قلهء بازار مالی جهانی‏ تهیه می‏کرد.جامعهء اروپا نیز تلاش‏ می‏کرد تا یک اقتصاد بدون مرز ایجاد کند.ژاپن ما زاد تجاری خود را به‏ سرمایه‏گذاری‏های ماوراء بحار تخصیص‏ می‏داد.چین در راه آزادسازی کشاورزی‏ بسیار پیشرفته بود.و با همهء این‏ جریانهای اقتصادی پرسش این بود که: چگونه ممکنست مشکلترین مسائل‏ مالی با امن کردن وامهای مشکوک الوصول‏ و دادوستد روی آنها دگرگون شود؟

به بینیم که از آن زمان تاکنون چه‏ پیش آمده است.یک دهه پیش،نقل‏ و انتقال روزانه ارزها به دویست‏ (200)میلیارد دلار می‏رسید.امروز بانک‏ تسویه بین المللی‏1،این رقم را حدود شش برابر یعنی روزانه 23/1 تریلیون دلار یا صد برابر رقم تجارت جهانی برآورد می‏کند.در همین مدت جریان سرمایه‏ بین المللی افزایش چشمگیری داشته‏ است.ارقام بانک تسویه بین المللی، خروج سرمایه از کشورهای‏"او.ایی.سی‏ .دی‏"( OECD )2را در سال 1993،654 میلیارد دلار ذکر می‏کند.در سال 1985 کمتر از پنجاه کشور بازار اوراق بهادار داشتند که مجموع سرمایه آنها 7/4 تریلیون دلار بود.امروز حد اقل 125 کشور بازار اوراق بهادار دارند.بازار اوراق‏ بهادار چین و کشورهای کوچک بوجود آمده‏ بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی‏ سابق را نیز باید به این رقم افزود.به این‏ شکل سرمایه جهانی اوراق بهادار در ده‏ سال تقریبا"چهار برابر شده و کل‏ سرمایه‏ای که در این بازارها جریان‏ دارد 16 تریلیون دلار است.در همین مدت‏ سرمایه‏گذاری در صندوقهای‏ سرمایه‏گذاری سی برابر شده و به 9/161 میلیارد دلار رسیده است بیشتر این رشد مربوط به سال 1993 به بعهد است.

در سال 1985 چیزی بعنوان اوراق قرضه‏ بین المللی وجود نداشت.نخستین اوراق‏ قرضه بین المللی در سال 1989 به مبلغ‏ 5/1 میلیارد دلار بوسیله بانک جهانی‏ منتشر گردید.

امروزه حدود 201 میلیارد دلار اوراق‏ قرضه جهانی هم زمان در بازارهای لندن، نیویورک،پاریس و توکیو معامله می‏شود. در سال 1995 ارزش جایگزینی معاملات‏ سلف به تنهائی از مرز دویست و سی‏ میلیارد دلار گذشت.در سال 1985 واژه‏ "بازارهای در حال ظهور"3هنوز ساخته‏ نشده بود ولی هم اکنون 56 بازار درحال‏ ظهور وجود دارد.در آن سال هیچ‏کس راجع‏ به انک سرمایه‏گذاری جهانی،کلمه‏ای‏ نشنیده بود."جهانی‏"تا سال 1986 واژه‏ای نبود که در بازارهای مالی به‏کار برده شود!

با این وصف،سیستم مالی هنوز از حالت‏ کامل خود بسیار فاصله دارد.سیستم مالی‏ بین المللی هنوز شامل مجموعه‏ای از بازارهای ملی و حسابهای بانکی است که‏ از طریق سیستم‏های ارتباطی به یکدیگر وابسته‏اند.هنوز یک بازار سرمایه واقعی‏ جهانی وجود ندارد.تاکنون نزدیکترین‏ زمینه به یک سیستم جهانی،عرصه‏ معاملات ارزی است که در جهان کمترین‏ ضوابط و بیشترین میعان را دارد،شگفت‏ آنکه،جریان سرمایه همچنان از تجارت‏ مشکلتر است زیرا کالاها و خدمات نسبت‏ به پول آسانتر از مرزها عبور می‏کند اما بر سر راه جریان سرمایه موانع زیادی وجود دارد که باید از میان برداشته شود.در صحنه‏ بین المللی برای استاندارهای حسابداری‏ و نحوه عملکرد باز شرکتها و دولتها هنوز کار زیادی در پیش است.سیستم‏های‏ تسویه و نگهداری سهام احتیاج به‏ نوسازی و مدرن شدن دارد حتی ثبت‏ مالکیت سهام در بسیاری از شکورهای‏ کمونیستی سابق هنوز بدون ضابطه است. با همهء اینها،سیستم جدید مالی‏ بین المللی باعث تغییرات زیادی شده‏ است.این سیستم راههای وسیع و جدیدی‏ را برای تأمین سرمایه شرکتها گشوده‏ است.گاه تأمین سرمایه با استفاده‏ از روشهای جدید چنان ارزان تمام می‏شود که هزینه آن به حد رقابتی می‏رسد. بازارهای جهانی در مراحل اولیه خود برای‏ بورس‏بازان مالی فرصتهای چشمگیری‏ فراهم کردند.این بازارها نرخ بازگشت‏ بالاتری را در درازمدت برای سرمایه‏گذاران هوشیار فراهم نموده و به‏ ایجاد صندوقهای بازنشستگی برای‏ جمعیت مسن رو به افزایش در کشورهای‏ صنعتی کمک می‏نمایند.جهانی شدن‏ نقش واسطه‏های مالی را،از بانکها گرفته‏ تا مدیران دارائی،تغییر می‏دهد.هزینه‏ بالای گسترش نرم‏افزار هر روز پیچیده‏تر می‏شود و موانع تکنولوژیکی آنهائی را که‏ می‏خواهند بازیگران جهانی امور مالی‏ باشند وادار می‏کند که هماهنگ با خطوط تولید متخصص شوند.خطرات معامله‏ با ارزهای مختلف و ابزارهای مالی فرعی‏ در نقاط مختلف دنیا با در نظر گرفتن‏ اختلاف ساعت و فاصله زمانی برای‏ هرکس مشکل است.بنابر این مدیریت‏ و حتی درک ارتباطات متقابل ریسکهای‏ چند جانبه مالی در دهه 1990 یک اشتغال‏ ذهنی شده است.

ولی باید گفت که تغییرات عمیقتر از این‏ است.سیستم مالی جهانی نوین نقش‏ کشورها را هم تغییر می‏دهد.با تجهیز هرچه بیشتر پس‏انداز دنیا به طرف‏ مجموعه سرمایه جهانی و اختصاص آن‏ برای پروژه‏های توسعه و صنایع در همهء نقاط دنیا مشارکت تکنولوژیهای مختلف‏ بین کشورهای درحال توسعه و ثروتمند تسریع می‏شود و این امر بنوبهء خود به‏ استفاده مؤثرتر از منابع جهانی و دست‏آورد عظیم تولید جهانی در آینده می‏انجامد.

به عقیدهء برخی از منقدین دایرهء خبیثه‏ای‏ درحال تشکیل است.صارات کالاهای‏ سرمایه‏ای و خدمات به کشورهای درحال‏ توسعه،باعث انگیزش رشد در کشورهائی‏ با اقتصاد بالغ صنعتی می‏شود و این امر بنوبهء خود صدور کالاهای مصرفی را به‏ موازات رشد طبقهء متوسط مرفه در این‏ کشورهای ممکن می‏سازد.از طرف دیگر سرمایه‏گذاری صندوقهای بازنشستگی‏ کشورهای صنعتی در بازارهای نوپای‏ سریع الرشد،پایهء عمیقتری برای کسانیکه‏ می‏خواهند بازنشسته شوند ایجاد می‏کند. بازارها برای هر چیز به قیمت‏گذاری‏ می‏پردازند و این امر اندازه‏گیری مبالغ‏ ضرر و زیان را آسانتر می‏کند.مصاحبه‏ با مالکین،تولیدکنندگان،مصرف‏کنندگان‏ و پس‏اندازکنندگان تمام دنیا نشان داده‏ است که جهانی شدن تأمین مالی به‏ منزله شوکی در راه تحقق یک رؤیای‏ طولانی یعنی به‏دست آوردن آرامش‏ براساس منافع متقابل اقتصادی بوده‏ است.در عصر جدید،سیستم مالی‏ بین المللی،گذشته از منازعات‏ محلی،جنگ را بیشتر بصورت اشکال‏ مختلف جذب سرمایه درآورده یعنی‏ سرمایه‏داری براساس بازار انگلوساکسون‏ یا سرمایه‏داری با گرایش مدیریت دولتی. در ژاپن که جهت‏گیری بطرف صادرات‏ بوده یا نمونهء نامتجانس و بیشتر بانکی‏ آلمان،همه اینها برای به‏دست آوردن‏ حوزه‏های نفوذ یا از میان بردن موانع ایجاد شده توسط دیگران است تلاش می‏کنند.

سرمایه‏گذاران و دیپلماتها هنوز راجع به‏ چین با احتیاط عمل می‏کنند.بانک جهانی‏ انتظار دارد که اقتصاد چین قبل از پایان‏ قرن از نظر برابری قدرت خرید به‏ اروپا برسد و تا سال 2005 امریکا را پشت‏ سر گذارد.پرسش اینستکه آیا چین قدرت‏ نظامی خود را به کشورهای اطرافش‏ در آسیا خواهد گسترد؟

مشکلات دیگری نیز سر راه سیستم مالی‏ بین المللی وجود دارد.این سیستم همانقدر که با طرح و نقشه به پیش می‏رود تابع‏ وقایع مختلف نیز هست.گاه به نظر می‏رسد که سیستم مالی بین المللی‏ با طرح و نقشه‏ای از قبل آماده شده‏ و بطریقی دیوانه‏وار به پیش می‏تازد. بازارها به دلیل طبیعت خاص خود تابع‏ سقوط و انقباضات هستند.وقایعتی نظیر وضعیت مکزیک و فاجعه‏هائی مانند آنچه‏ بانک برینگ‏4را ساقط کرد بیشتر اتفاق‏ خواهد افتاد.بازارهای آزاد اجازه نمی‏دهند که مشکلات رویهم انباشته شوند و این‏ معنایش آنستکه نه‏تنها قابلیت فرار مشکلات از بین می‏رود بلکه اصلاحات نیز سریعتر انجام می‏گیرد.در بازارهای محلی‏ هم همواره کسانی هستندکه به چاپیدن‏ خارجیان سرمایه‏گذار بسیار علاقه‏مندند پرسش مهمتر اینست که آیا سقوطهای‏ آتی کل سیستم جهانی را تهدید خواهد کرد؟مهندسان می‏دانند که هرچه یک‏ پروژه وسیعتر باشد احتمال بروز اشکال‏ در آن بیشتر خواهد بود و سقوط بازار سهام‏ در سال 1987 نشان داد که خطرات همواره‏ قابل اندازه‏گیری نیستند.بنابر این ده سال‏ پیش حتی کسی تصور نمی‏کرد که تأثیر بحران پزو در مکزیک که در ابتدای سال‏ 1995 رخ داد چنین تأثیری در بازارهای‏ تایلند یا مجارستان داشته باشد.

این امر بستگی زیادی به این دارد که آیا در آتیه نسبت به امروز که سرمایه‏گذاران‏ وارد صحنه جهانی می‏شوند بازارها از نظر سقوط و رونق در پی یکدیگر حرکت‏ خواهند کرد یا نه؟شگفت آنکه امروزه‏ میعان و تنوع بیشتر بچشم می‏خورد. بتدریج که شناوری جهانی افزایش‏ می‏یابد،تنوع و اهداف سرمایه‏گذاری نیز زیاد می‏شود،مثلا هم‏اکنون موافقت‏ همگانی در مورد اینکه تایوان بهترین‏ بازار دنیاست وجود ندارد.بعضی به ارزش‏ درازمدت و عده‏ای به اهداف کوتاه‏مدت‏ روی می‏آورند.برخیها استراتژی ورود به‏ یک کشور را در نظر می‏گیرند و دیگران‏ برخورد بخشی دارند.برخی بر این نظرند که اگر سرمایه‏گذاران هرچه بیشتر شرکتهای مختلف اطراف جهان را از نظر فعالیتهای گوناگون مثلا در رشته‏های دارو، اتومبیل و مخابرات...مورد مقایسه قرار دهند قابلیت اشتباه تنزل می‏یابد.

تهدید بیشتر برای سیستم مالی، بین المللی اسراف مالی دولتهاست.اگر دولتها کسر بودجه خود را پائین نیاورند، قروض بیش از حد آنها می‏تواند بازار جهانی‏ سرمایه را در باطلاق فرو برد.

سیاست کنترل سرمایه هنوز در دنیای‏ صنعتی آنقدر منسوخ نشده است که نتوان‏ دوباره به آن روی آورد.فرانسه ضوابط کنترل ارز در مورد فرانک را در سال 1993 لغو کرد.موانع واقعی برای مالکیت‏ خارجیان هنوز در بعضی از کشورهای‏ اروپائی وجود دارد.کشورهای ثروتمند می‏توانند از جریان سرمایه به خارج‏ از کشور جلوگیری کنند.این کشورها مایلند سازمانهایشان سهام مؤسسات دولتی‏ را خریداری نمایند.بنابر این تصادفی‏ نیست که فرانسه درست در زمانیکه فرایند خصوصی‏سازی را دنبال می‏کند به‏ تأسیس سیستم بازنشتگی خصوصی نیز می‏پردازد.با توجه باینکه بطور متوسط سالانه 50 میلیارد دلار از کشورهای‏ ( OECD )خارج می‏شود،به نظر می‏رسد که کنترل سرمایه در این کشورها اجتناب‏ناپذیر می‏گردد.

اقتصادهای درحال ظهور نیز به ایجاد موانعی دست می‏زنند یا موانع موجود را برای جلوگیری از اثرات بی‏ثباتی جریان‏ پول داغ حفظ می‏نمایند.صندوق‏ بین المللی پول به دنبال بحران مکزیک‏ به کشورهای کوچک هشدار داد که‏ بهتر است پرتفولیوی کوتاه‏مدت پذیرش‏ سرمایه را،تا زمانیکه مانند شیلی بتوانند یک سیستم بانکی و بازنشستگی قوی‏ تأسیس نمایند،محدود کنند.برخی‏ از کشورهای آسیائی توانسته‏اند رشد سریع و پایداری بوسیله تشویق‏ سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی داشته‏ باشند.جمهوری چک در سال 1995 محدودیتهائی برای ورود و خروج سرمایه‏ کوتاه‏مدت برقرار کرد و کرون را نیز قابل‏ تبدیل اعلام نمود.

این خطر هم وجود دارد که بازارهای‏ درحال ظهور بمنظور جلوگیری از خرید صنایع آن کشورها توسط خارجیان‏ سرمایه‏گذاری مستقیم خارجی را محدود نمایند.گرچه به نظر می‏رسد کشورهای‏ درحال توسعه تشنه سرمایه هستند ولی‏ ممکنست در مقابل مستعمره‏گرایی جدید حالت واپس‏گرائی هم به وجود آید.اگر درکشورهای درحل توسعه‏ای که جدیدا قروتمند شده‏اند،روشنفکران احساس‏ کنند که از ثروت کشور خودسهمی ندارند، سیستم مالی جهانی جدید به دلیل‏ مقاومتهای اجتماعی در این کشورها ممکنست با عقب‏نشینی روبرو شود.

نهایتا،با توجه به اعتقاد مسلمانان که‏ استثمار همسایگان را ممنوع می‏دانند،49 کشور مسلمان و 900 میلیون جمعیت آن‏ ممکنست از شبکه مالی بین المللی کنار گذارده شوند.اندونزی و مراکش در بخشی‏ از هلال اسلامی.کم‏کم با ضوابط مالی‏ جدید همانند ترکیه خو می‏گیرند. سرمایه‏گذاران بین المللی که در گذشتهء نزدیک در پاکستان موفقیتی نداشتند در سال 1995 بسوی اردن،مصر،لبنان و برخی از کشورهای خلیج فارس رو آورده‏اند. امااگر اکثریت جهان اسلام در سیستم‏ مالی جهانی ترکیب نشوند،این‏ امر در وهلهء اول گویای شکست این‏ سیستم است و می‏تواند در قرن آینده‏ جهان را بسوی قطبی شدن رهنمون‏ سازد،همان اتفاقی که در بیشتر مدت‏ قرن حاضر در برابر کمونیسم شاهد آن بودیم.

سقوط کمونیسم را نیز نباید دست کم‏ گرفت.اتحاد شوروی و چین در روزهای اوج‏ خود نه تنها به کشورهای درحال توسعه‏ کمکهای خارجی می‏دادند بلکه نوع‏ خاصی از کمکهای اعتباری و روابط تجاری را نیز ارائه می‏نمودند.هنگامیکه‏ کمونیسم سقوط کرد این راه دیگر همراه‏ با فلسفه اقتصادی آن از بین رفت. هم‏اکنون تنها راه موجود سرمایه‏داری‏ و تجارت آزاد است.هم‏اکنون با راهنمائی‏ صندوق بین المللی پول بعنوان دربان این‏ اقتصاد آزاد،کشورهائی که مایلند در اقتصاد جهانی شرکت داشته باشند باید به آزادسازی اقتصاد خود پرداخته و در صورت تمایل به الحاق در باشگاه‏ اقتصاد جهانی،موانع تجاری را از میان‏ بردارند.کشوری که به این اقدامات دست‏ نزند پشت سر گذارده خواهد شد.

از خصوصیات دیگر بازارهای جهانی‏ اینست که برای کشورهائی که عرضه‏ کننده سرمایه هستند انعطاف بیشتری‏ داشته و اجازه می‏دهد که شرکتهای چند ملیتی بهتر بتوانند میزان تعهدات خود را با دارائی‏شان نزدیک نمایند.ناشرین اوراق‏ قرضه مالی که در مقابل متقاضیان‏ بیشتری در بازارهای جهان قرار می‏گیرند موفق می‏شوند به قیمتهای‏ بسیار پائین‏تر به تأمین سرمایه بپردازند. علاوه بر آن برخی معاملات است که اگر قرار بود به بازارهای ملی متکی باشد هرگز انجام نمی‏گرفت.بعنوان مثال اگر سرمایه‏گذاران بین المللی به عرضه‏ عمومی اولیه سهام SGL Carbon آلمان‏ اقبال نداشتند و بیش از 70 درصد آنرا خریداری نکرده بودند پروژه انجام‏ نمی‏شد.

شرکت AVON هم اکنون در 41 کشور تولیدات دارد و محصولات خود را در 121 کشور به فروش می‏رساند.مدیر مالی‏ شرکت مذکور می‏گوید هرگز انتقال‏ سرمایه در اطراف جهان به آسانی امروز نبوده است ولی در عین حال این نکته‏ گفتنی است که مسئولان شرکت مذکور وقت زیادی را برای ارزیابی ریسک‏های‏ سیاسی و اقتصادی بازارهای آن شرکت‏ صرف کرده،شبکه‏ای از تماسها را برقرار نموده و برای بازرسی 47 اداره مالی‏ در سراسر دنیا کوشش کرده‏اند.شرکت‏ "راک‏ول اینترنشنال‏"سه سال پیش هیچ‏ سهامدار خارجی نداشت ولی هم اکنون‏ بیش از یک میلیون سهم به خارجیان‏ فروخته است.مسئولان امور مالی شرکت‏ مذکور هم اکنون برای معرفی مزایای‏ شرکت در اطراف جهان سخت تلاش‏ می‏کنند زیرا معتقدند که در آنصورت برای‏ سهام شرکت تقاضای بیشتری خواهد بود و در نتیجه قیمت سهام محکم و درآمد چند برابری بدست خواهد آمد.این مسئولان‏ در عین حال بدنبال مدیرانی هستند که‏ بتوانند حسابداری خارجی و انجام‏ امور مالیاتی بین المللی را به عهده‏ گیرند.اینطور به نظر می‏رسد که همه‏ بنگاهها برای جهانی شدن تقلا می‏کنند و در عین حال جذب این پدیده می‏شوند.

سیستم مالی جهانی‏ بعد از یک دهه چگونه‏ خواهد بود؟

در دهه آینده انگیزه اصلی شرکتها و سرمایه‏گذاران برای جهانی شدن به‏ طمع نرخهای بازگشت بالاتر باقی خواهد ماند.انتظار می‏رود معدل رشد اقتصادی‏ در آسیا،امریکای لاتین و اروپای شرقی‏ در سالهای آتی به 5/6 درصد برسد، درحالیکه کشورهای صنعتی رشدی‏ معدل 5/2 درصد خواهند داشت.هرچند رشد سریع جریان سرمایه فرامرزی از نظر درصد تعدیل خواهد شد،کارائی روزافزون‏ بعضی از بازارها باعث کناره‏گیری بسیاری‏ از مدیران تأمین سرمایه خواهد گردید.

در آینده سرمایه‏گذاران فرامرزی‏ خواهند آموخت که بجای تبعیض بین‏ کشورها،باید میان شرکتهای مختلف‏ نیز فرق بگذارند.تجزیه و تحلیل‏ بخشی و سرمایه‏گذاری در شرکتهای‏ کوچک افزایش خواهد یافت.بطور خلاصه‏ سیستم مالی بین المللی وارد مرحله‏ پخته‏تری خواهد شد. اما اگر جریان تشکیل سرمایه کند می‏شود،پیشرفتهای تجارت و تکنولوژی‏ تسریع می‏گردد.دنیا بتدریج بطرف‏ سیستم ذخائری با سه ارز حرکت‏ خواهد کرد و سایر ارزها بنحو شدید یا ملایمی به ین،دلار و مارکت آلمان‏ وابستگی خواهند داشت.برخی از ارزهای آسیائی مانند پول سنگاپور، مالزی،اندونزی،تایوان،چین و هنگ‏کنگ‏ که هم‏اکنون به دلار وابسته‏اند به این‏ وابسته خواهند شد.بانکهای مرکز دنیا فرامی‏گیرند که برای خارج کردن بورس‏ بازان از صحنه بیشتر با یکدیگر همکاری‏ نمایند و فشارهائی برای اینکه صندوق‏ بین المللی پول و بانک تسویه بین المللی‏ یا سازمان جدیدی تبدیل به یک بانک‏ مرکزی جهانی شود وجود خواهد داشت.بحثهای داغی در مورد اینکه‏ "آیا بازارهای جهانی نیاز به مقرراتی که‏ آنها را مجبور به رفتار شرافتمندانه نماید، خواهند داشت یا نه؟"درخواهد گرفت.

اینترنت حوزهء عمل غیر قابل پیش‏بینی‏ خواهد داشت.برخی از بازارهای تجاری‏ روی شبکه اینترنت گسترش خواهد یافت. بزرگترین جنبهء اینترنت ممکنست ارائه‏ اطلاعات باشد زیرا این شبکه می‏تواند ارزیابی دارائی و بدهی مؤسسات را مانند قیمت سهام به اطلاع برساند.برخی‏ از متخصصان مالی عقیده دارند که شاید روزی بانکها میزان دارائی و بدهی‏شان‏ را روزانه به اطلاع همگان رسانده و آنها را از طریق شبکه اینترنت منتشر کنند.اگر چنین شود دیگر بانکهای مرکزی‏ برای بانکها قانونگزاری نخواهند کرد.بانک مرکزی نیوزیلند هم‏اکنون‏ چنین اقدامی را انجام داده است.این‏ کشور سیستم بانکی راملزم نموده که‏ اطلاعات مربوط به هر بانک راکاملا در اختیار عامه گذارده و سرنوشت خود را به‏ دست سپرده‏گذاران و صاحبان سهام‏ بگذارند.

واسطه‏های بین المللی بویژه مدیران‏ دارائی‏ها با تزلزل شغلی مواجه خواهند شد.بانکهای تجاری هم‏اکنون نیز بیشتر بطرف فعالیتهای مدیریت دارائی و تأمین‏ مالی شرکتها گرایش پیدا کرده‏اند.این‏ راقبت سود بانکهای سرمایه‏گذاری را در بسیاری از زمینه‏ها به حد سود دادوستد کالاها می‏رساند و بنوبهء خود حقوقی نجومی‏ بانکداران را نیز بیشتر بسوی حق الزحمه‏ براساس کارکرد سوق می‏دهد.

بازیگران سیستم مالی‏ جهانی چه کسانی‏ خواهند بود؟

آژانس IBCA لندن ده رقیب را نام می‏برد که عبارتند از:

مریل لینچ،گلدمن ساش،مورگان‏ استانلی،سی اف فرست بوستون،سویس‏ بانک،مورگان جی پی،دویچ بانک،یونیون‏ بانک سویس،بارینگ آی ان جی و شاید بارکلیردوزوت ود.سیستم جدید مالی‏ جدید تا حد زیادی نمایانگر موفقیت‏ بازارهای سرمایه است.بانکداری سنتی‏ در حالت دفاعی قرار می‏گیرد.در سالهای‏ آخر 1970 وامهای بانکی 5/49 درصد جریان سرمایه‏بخش خصوصی کشورهای‏ ثروتمند را تشکیل می‏داد ولی بانکها در امریکای لاتین و افریقا مواجه با عدم‏ پرداخت شدند.بنابر این گرچه در دههء گذشته از نظر آماری میزان وامها سه برابر شده و به چهار تریلیون دلار رسیده اما طبق‏ محاسبهء مؤسسهء Baring Security سهم بانکها در میزان جریان سرمایه به‏ 2/9 درصد رسیده است.

در عین حال سرمایه‏گذاری روی سهام‏ افزایش زیادی یافته است.خرید اوراق‏ قرضه 6/41 درصد و خرید سهام 35 درصد جریان سرمایه‏بخش خصوصی‏ کشورهای( OECD )را تشکیل می‏دهد یکی از متخصصان مالی نیویورک می‏گوید بازارهای سرمایه بهتر از بانکها می‏توانند به تخصیص سرمایه اقدام کنند زیرا سرمایه می‏تواند با سرعت بیشتری به‏ بازار وارد و خارج شود.این موضوع‏ ممکنست به دورانهای کوتاهتر صعود و نزول در چرخهء اقتصادی کمک نماید.

حقیقت اینست که بسیاری از بانکهای‏ امریکائی وام‏دهی سنتی را کنار گذارده‏ و تنها به شرکتهای بزرگی که کارمزد قابل‏ توجهی می‏پردازند قرض می‏دهند و بجای آن فعالیت خود را به طرق مختلف‏ در بازارهای سرمایه متمرکز نموده‏اند. مثلا بانکها در دادوستد ارزها و ابزارهای‏ مالی فرعی درگیر شده‏اند.روش دیگر بانکهای امریکائی مانند بانکهای‏ اروپائی به‏دست آوردن بانکهای‏ سرمایه‏گذاری و مدیریت دارائی آنهاست. بانکهای بزرگ امریکائی در وام دادن نیز نوسانان بازار را برای خود پوشش می‏دهند "کمیکال بانک‏"هر روز بیشتر وامهای‏ بزرگ را سندیکائی می‏کند.بدین معنی‏ که کل مبلغ وام را بصورت اوراق قرضه‏ درآورده و این اوراق را به بیمه‏گران‏ و سایر بانکها می‏فروشند و خود بانک‏ عامل به اداره یک بازار دست دوم وامی که‏ تقسیم شده است می‏پردازد.در دهه آینده‏ ممکنست بیشتر بانکهای تجاری تنها به‏ تعهد وامهای دست دوم بپردازند.

تأکید جدید در سیستم بانکداری روی‏ توسعهء نوآوریهای مختلف در سیستم‏ بانکی خواهد بود و حضور جهانی در فعالیتهای مربوط به ابزار مالی فرعی، تهیه وام یا سهام و حفاظت‏5بسیار مهم‏ است.لازم نیست هر بانک در تمام‏ فعالیتها باشد اما لازم است در زمینه‏ای که‏ فعالیت می‏کند حضور جهانی داشته باشد. مثلا در زمینهء حفاظت،ممکنست یک‏ متقاضی به بانکی مراجعه نموده و اظهار دارد که من به بازارهای بلژیک،مراکش‏ و مکزیک علاقمندم توانائیهای شما در آن‏ بازار چیست؟بنابر این بانک باید جهانی‏ باشد تا بتواند این احتیاجات را برآورده‏ سازد.

چنین طرز تفکری بود که در سال 1995 توجه زیادی را بطرف فعالیتهای مربوط به‏ "حفاظت‏"جلب کرد.بانک نیویورک اسناد تجاری بانک امریکا را خریداری کرد و باین وسیه دارائی حفاظتی خود را به‏ دو تریلیون دلار رساند."لویدز بانک‏" انگلستان با خرید کارهای حفاظتی‏ نشنال وست می‏نیستر 800 میلیون دلار به‏ دارائی‏اش اضافه کرد.یکی از متخصصان‏ بانکی عقیده دارد اگر بانکی دارائی‏ حفاظتی بیش از یک تریلیون دلار نداشته‏ باشد احتمالا نمی‏تواند سود حاصل‏ از مقیاس اقتصادی را به‏دست آورد.

روندی که ممکنست مانع از خروج جریان‏ سرمایه از اقتصادهای کوچک شود اینستکه سهام را از بورسهای ملی کوچکتر به بورسهای منطقه‏ای منتقل نمایند. در بورسهای منطقه‏ای،نقدینگی، قیمت‏گذاری و نحوهء تسویه حسابها بهتر است.در سال گذشته معامله گران‏ سهام بجای رفتن به بازارهای محلی‏ در اطراف و اکناف جهان معادل 9/1 تریلیون دلار سهام خارجی را در بازارهای‏ پیشرفته مثل بازار SEAQ لندن و بازار سهام نیویورک معامله کردند.مبلغ فوق‏ براساس محاسبهء مؤسسه برینگ 40 درصد کل دادوستد بورس دنیا را تشکیل‏ می‏داد.

بازار SEAQ لندن بیشتر از فرانکفورت‏ و سایر مراکز بورس در قارهء اروپا معاملات‏ سهام انجام می‏دهد و نیویورک نیز برای‏ امریکای لاتین مرکز شده است.هنوز درمورد مرکز معاملات بورس در شرق آسیا توافق قطعی وجود ندارد،هرچند ثابت‏ شده که مرکز بورس توکیو جای مناسبی‏ نیست.به نظر می‏رسد هنگ‏کنگ یک‏ مرکز طبیعی است،ولی با توجه به الحاق‏ آن به چین در سال 1997 آینده مبهمی‏ دارد.سنگاپور نیز به جذب مقداری از فعالیت این بازار تمایل دارد.در عین حال‏ برخی از مقامات چینی امیدوارند که روزی‏ شانگهای مرکز دادوستد سهام آسیا شود. مطالعهء دارائی مؤسسات نشان می‏دهد که آنها همچنان به روند بین المللی شدن‏ ادامه می‏دهند.براساس آمار صندوق‏ بین المللی پول،سرمایه‏گذاران بین المللی‏ در امریکا،ژاپن،آلمان،فرانسه و بریتانیا رویهمرفته میزان سرمایه‏گذاری خارجی‏ خود را از 100 میلیارد دلار یا 8/4 درصد کل‏ میزان دارائی‏شان در 1980 به حدود نهصد میلیارد دلار یا 2/7 درصد دارائیهایشان در 1993 رسانده‏اند.

یکی از مسئولان مؤسسه بین المللی‏ مشاوره مالی در امریکا اظهار می‏دارد که: ما هم‏اکنون مشتریان امریکائی داریم که‏ 15 درصد سرمایه خود را در خارج از کشور سرمایه‏گذاری کرده‏اند و انتظار داریم که‏ این نسبت تا پایان قرن به 20 درصد برسد.شاید برخی از سرمایه‏گذاران‏ امریکائی این میزان را به 30 درصد نیز افزایش دهند.

بررسی انجام شده روی مؤسساتی که‏ دارائی آنها جمعا به یک تریلیون دلار می‏رسد نشان می‏دهد که 78 درصد پاسخگویان در نظر دارند فعالیت‏ بین المللی خود را در عرض 12 ماه آینده‏ افزایش دهند.براساس تحقیق مؤسسه‏ گرینویچ از 1620 صندوق بازنشستگی،65 درصد هم‏اکنون در خارج از مرزها سرمایه‏گذاری کرده و 28 درصد در نظر دارند که بزودی چنین اقدامی را انجام‏ دهند.مؤسسه اینترسک پیش‏بینی‏ می‏کند که پیش از سال 2000، صندوقهای بازنشستگی امریکا 725 میلیارد سهام خارجی خواهند داشت که‏ این میزان معادل 12 درصد دارائی‏های‏ آنهاست.انگلیسی‏ها که صدها سال است‏ در خارج از کشور سرمایه‏گذاری می‏کنند در این فرایند بسیار جلوترند چنانچه‏ براساس گزارشات موجود صندوقهای‏ بازنشستگی بریتانیا حدود 25 درصد دارائی خود را سرمایه‏گذاری خارجی‏ نموده‏اند که 22 درصد از این‏ سرمایه‏گذاری در سهام است.

میزان منطقی سرمایه‏گذاری ماوراء بحار در حدی نزدیک مدل انگلیسی‏هاست. پیش‏بینی می‏شود که بیش از 15 درصد دارائی صندوقهای بازنشستگی تا 1999 در خارج سرمایه‏گذاری شود.برخی از ناظرات عقدیه دارند که احتمال دارد میزان‏ سرمایه‏گذاری خارجی صندوقهای‏ بازنشستگی تا 30 درصد نیز برسد.باید توجه داشت که تغییر درصد میزان‏ سرمایه‏گذاری خارجی صندوقهای‏ بازنشستگی به پانزده درصد مبلغی معادل‏ 3 تریلیون دلار به جریان سرمایه برای‏ خرید سهام خواهد افزود و حرکت بسوی‏ سی درصد رقم افزایش را به 9 تریلیون‏ دلار خواهد رساند.

در مورد تأثیر این مبالغ بر روی قیمت‏ سهام گزارش برینگ می‏گوید که از سال‏ 1986 تا 1994 هریک میلیارد افزایش به‏ جریان خالص سرمایه،افزایشی معادل‏ یک درصد در بازار در حال ظهور و 2/0 درصد در بازارهای توسعه یافته ایجاد کرده‏ است.با در نظر گرفتن این نظریه،جریان 3 تریلیون دلار به بازارهای در حال ظهور می‏تواند قیمتها را تا سه هزار درصد بالا ببرد.متخصصان می‏گویند هرچند قیمتها بالا رود تعداد بیشتری سهام‏ انتشار خواهد یافت و خطر بزرگ انتشار بیش از حد اوراق خواهد بود.

بدلایل روند خصوصی‏سازی در کشورهای بزرگ اروپائی،عرضه سهام‏ عمومی به سرمایه‏گذاران بین المللی‏ هم‏اکنون به 59 میلیارد دلار رسیده که‏ باید آنرا با رقم 11 میلیارد دلار یک دهه‏ پیش مقایسه کرد با رونق تجارت، افزایش جریان سرمایه پیش خواهد آمد و این پدیده باعث فشار به کشورهائی‏ خواهد شد که بازار خود را به روی دنیا نگشوده‏اند.به عبارت دیگر و بقول‏ اقتصاددان مؤسسه استراتژی‏ مستقل‏"،پدیده جهانی شدن امری‏ اجتناب‏ناپذیر است.

منبع: Global Finance ،نوامبر 1995

پی‏نوشتها:

(1) Bank for International Settlement

(2)سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه‏ (3) Emerging Markets

(4) Baring Bank

(5) Custody-custedianship

(5)-یکی از تسهیلات جدیدی است که‏ بانکهای بزرگ‏تر و شرکتهای‏ سرمایه‏گذاری امانی در اختیار مشتریان‏ خود قرار می‏دهند و شامل نگاهداری‏ و حسابداری(مطابق دستور مشتری)اموال‏ ارزشمند مشریان است که می‏تواند اموالی درآمدخیز( Income-bearing ) باشد.حفاظت شامل موارد زیر است:

سالم نگهاهداشتن مال،وصول درآمد حاصل از مال،نقد کردن اوراق قرضه‏ در سررسید یا در زمان درخواست شده‏ توسط مشتری،دریافت حقوقی که ناشی‏ از سهام است،انتقال دستورهای خرید و فروش به کارگزار و مجری دستورها.

فرهنگ لغات دکتر فیروزه خلعت‏بری- ص 340